

علمای اهل سنت، در خصوص قتل عمد چنانچه یکی از اولیاء دم گذشت نماید قصاص ساقط می شود و بقیه ورثه باید از قاتل دیه دریافت نمایند؛ اگر قتلی در بین افراد مذکور اتفاق افتاده و عده ای از ورثه گذشت نموده و عده ای دیگر تقاضای قصاص نمایند، تکلیف دادگاه در این مورد چیست؟

نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه
۱۳۶۸/۹/۱۶-۷/۴۵۶۶

مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر تبعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ هـ.ش، مذاهب اسلامی غیر شیعه اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی از لحاظ احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت) تابع قواعد و مقررات مذهب خود هستند و در محاکم رسمیت دارند، لیکن در امور کیفری مطابق ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت کشور ایران مرتکب جرمی شوند، قوانین جزایی درباره آنان اعمال و اجراء می گردد. چون مطابق ماده ۵۰ قانون حدود و قصاص مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱ اگر بعضی از وراثت گذشت نمایند و بعضی دیگر تقاضای قصاص نمایند، کسانی که درخواست قصاص دارند پس از پرداخت سهم دیه عفو کنندگان به قاتل، می توانند او را قصاص کنند. مورد استعمال هم از مصادیق ماده ۵۰ قانون فوق الذکر است و باید مطابق آن عمل شود. پس باید نتیجه گرفت که قوانین جزایی ایران درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت آن مرتکب جرم شوند، اعمال و اجراء می گردد. ماده ۴- هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از

پاره‌ای از مواد قانون مجازات اسلامی

همراه با نظریات اداره حقوقی

از: محمد صالحی

دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد. مگر آن که بموجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

سؤال ۱- هرگاه یکی از اتباع خارجه (مثلاً تبعه ترکیه) در ایران مرتکب جرمی از قبیل قتل غیر عمد در اثر رانندگی بشود مسئولیت پرداخت دیه با دولت ایران است یا دولت متبوع مرتکب؟
نظریه اداره حقوقی: موضوع استعمال از نظر مجازات مجرم مشمول ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی است می توان گفت که هرگاه جرمی توسط اتباع خارجه در ایران ارتکاب شود، مجرم طبق موازین قانونی در ایران محاکمه می شود. بنا بر ماده ۳ مرقوم که می فرماید، قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می گردد.

سؤال ۲: بان توجه به اینکه حسب نظر

ماده ۱- قانون مجازات اسلامی مربوط است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود.

ماده ۲- هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.

شعبه دوم و چهارم دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۵۹۶-۲۸/۸/۱۵ در پرونده ۳۶ سال ۱۳۲۶ دادگاه شهرستان لاهیجان چنین حکم نموده‌اند.

اگر دادگاه بزه انتسابی را ثابت دانست، به صرف این که باماده استنادی دادرسی یا دادگاه بدوی قابل تطبیق نیست، نمی تواند متهم را تبرئه کند بلکه باید رسیدگی و با ماده ای که خود منطبق می داند تطبیق و حکم مقتضی را صادر نماید.

به نقل از مجموعه محمد تقی امین پور ماده ۳- قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی،

جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است.

سؤال ۱- با توجه به اینکه یکی از اتباع سریلانکا، در ایران مرتکب جرمی شده و به کشورش عزیمت نموده، آیا قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و سریلانکا وجود دارد یا خیر؟

نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه:
۱۳۵۹/۵/۴-۷/۲۵۱۷

قرارداد استرداد مجرمین بین کشور جمهوری اسلامی ایران و کشور سریلانکا وجود ندارد، ولی ممکن است در مورد غیر اتباع سریلانکا با تعهد انجام عمل متقابل تقاضای استرداد پذیرفته شود و در مورد تبعه کشور مذکور می توان از طریق وزارت امور خارجه اتهام و دلایل آن را اعلام و درخواست تعقیب نمود.

پس در صورت عدم وجود قرارداد استرداد، می توان از طریق وزارت امور خارجه، نوع اتهام و دلایل آن را به کشورش اعلام و تقاضای تعقیب او را نمود.

ماده ۵- هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد، طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود:

۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران.

۲- جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن.

۳- جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاونان یا رئیس جمهوری یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران

تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است.

یا استفاده از آنها.

۴- جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران، مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها یا اسناد تعهد آور و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله.

سؤال ۱: آیا جعل اسکناس خارجی جرم است یا نه و آیا احتیاج به وجود قرارداد فیما بین دو دولت دارد یا نه؟
نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه ۷۵۷-۱۳۵۹/۲/۱۰

بند ۹ ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی مقرر می دارد که جعل اسکناس کشورهای دیگر به شرط معامله متقابل جرم است و این بدان معنی است که کشور خارجی نیز جعل اسکناس کشورهای دیگر را جرم بداند و در این مورد نیازی به قرارداد معامله متقابل نیست و صرف وجود قانون کافیت.

«پس جعل اسکناس خارجی به شرط معامله متقابل جرم است»

ماده ۶- هر چیزی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت ایران هستند و یا مستخدمان دولتی به مناسبت شغل و

هرگاه جرمی توسط اتباع خارجه در ایران ارتکاب شود، مجرم طبق سوابق قانونی در ایران محاکم میشود.

وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می شوند ماده ۱۱- در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی توان به عنوان جرم به موجب قانون متاخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم، قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده یا از جهات دیگر مساعد تر به حال مرتکب باشد، نسبت به جرائم سابق بوضع آن قانون تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود. در صورتی که بموجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

۱- شعبه دوم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۲۰۶۴-۱۳۱۶/۹/۱۶ که در مجموعه حقوقی ۳۶ سال ۱۳۱۷ مندرج می باشد. چنین آمده است:

۱- اگر قانون متاخر باشد، درباره متهم اعمال نمی شود (نقل از مجموعه امین پور)
۲- تفسیر قانون، قانون جدیدی محسوب نمی شود. بنابراین اگر کسی قبل از تصویب تفسیر ماده ۲۳۸ بزه منطبق با آن مرتکب شود، براین تفسیر ماده ۲۳۸ قابل تعقیب است. چون قانونگذار در این مورد نخواست است عملی را که قبلاً جرم نبوده، جرم تلقی کند. بلکه خواسته است اجمال قانون سابق را برطرف نماید.

۳- شعبه پنجم دیوان عالی کشور در دادنامه ۸۷-۱۳۲۲/۷/۳ که در مجموعه حقوقی ۱۰ سال ۱۳۲۲ مندرج است - نقل از مجموعه امین پور.

برابر ماده ۳۰۲ قانون مدنی، قوانین پس از انتشار در روزنامه رسمی و انقضای مواعد مقرر در تهران و شهرستانها قابل اجراست و قسمت اول این ماده ناظر است به اینکه در حین ارتکاب بزه قانون قابل اجراء باشد. بنابراین اگر راننده‌ای پس از تصویب قانون تشدید مجازات رانندگان و قبل از انتشار در مجله رسمی مرتکب قتل غیر عمد شود، برابر قانون سابق باید مجازات شود و تعیین مجازات درباره وی برابر قانون متأخر موجب نقض دادنامه است.

شعبه دوم دیوانعالی در دادنامه شماره ۱۷۰۱/۲۲-۲۸/۱۲/۱۴ که در پرونده ۷۶۵/۲۸ شعبه دوم دیوانعالی جنایی تهران مندرج است و شعبه دوم دیوانعالی در دادنامه شماره ۱۹۴۸۵-۲۸/۱۲/۱۴ که در مجموعه حقوقی شماره ۱ سال ۱۳۲۹ مندرج است. در اینجا رای وحدت رویه شماره ۴۵-۶۵/۱۰/۲۵ هیئت عمومی دیوانعالی کشور عیناً نقل می‌گردد. ردیف ۵۸/۶۴

رای هیئت عمومی دیوانعالی کشور

۴- ماده ۶ قانون مجازات مصوب مهرماه ۱۳۶۱ که مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را بر طبق قانونی قرارداد که قبل از وقوع جرم وضع شده باشد، منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص می‌باشد که از صدر اسلام تسریع شده‌اند بنابراین رای شعبه چهاردهم دیوانعالی کشور که حبس در خواست اولیاء دم و به حکم آیه شریفه «ولکم فی القصاص حیات یا اولی الالیاب» بر این مبنا بر قصاص صادر گردیده صحیح تشخیص داده می‌شود. این رای بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است دنباله ماده ۱۱:

بند یک: اگر عملی که در گذشته جرم بوده، به موجب قانون لاحق جرم شناخته

نشود، در این صورت حکم قطعی اجراء خواهد شد و اگر در جریان باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء نشده باشد هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است، اعمال نمی‌گردد.

بند دوم: اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می‌تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادر کننده حکم و یا دادگاه جانشین بالمحافظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد.

نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه:

۷/۹۸۸۸-۱۳۷۱/۹/۳۰

سؤال ۱- آیا مجازات قطعی دادگاه را می‌توان به استناد بند ۲ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی تخفیف داد یا خیر؟
با تصریحی که در بند ۲ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شده است، در صورتی که مجازات جرمی که مرتکب به آن مجازات محکومیت قطعی پیدا کرده است، بموجب قانون لاحق تخفیف پیدا نماید، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم یا دادگاه جانشین تقاضای اجرای مقررات جزایی اخیرالتصویب را بنماید که به نفع مشارالیه نیز می‌باشد و دادگاه طبق این قانون مجازات قبلی را باید تخفیف بدهد

قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم میشود و باید باجنایت او برابر باشد.

ولوا اینکه حکم قطعی صادره نسبت به محکوم علیه در حال اجراء باشد. «پس دادگاه باید طبق قانون اخف لاحق

مجازات قطعی قبلی را تخفیف دهد»
بند سوم: اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد، فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت.

باب دوم - مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی
فصل اول - مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی

ماده ۱۲- مجازات های مقرر در این قانون پنج قسم است.

۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازاتهای بازدارنده
ماده ۱۳- حد به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.

ماده ۱۴- قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید باجنایت او برابر باشد.

ماده ۱۵- دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است.

ماده ۱۶- تعزیر، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم و اگذار شده است از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.

نظریه اداره حقوقی: ۷/۴۹۹۸-۱۳۶۲/۱۲/۱۰

سؤال ۱- آیا دادگاه می‌تواند به استناد ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی، مجازاتی غیر از آنچه در قانون آمده است تعیین نماید یا نه؟

«ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی، در مقام تعریف تعزیر است نه در مقام اعطاء و اختیار به قاضی تا به میل خود برای اعمالی هم که مجازاتی از برای آنها مقرر نگردیده است تعیین مجازات نماید و یا بدون توجه به میزان مقرر در قانون یکی از انواع تعزیرات مذکور در آن ماده را مورد حکم قرار دهد. زیرا مواد ۲ و ۶ همان

قانون صریحا چنین اختیاری را سلب نموده‌اند.

«پس ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی در مقام تعریف تعزیر است و دلالت بر جواز تعیین مجازاتی غیر از آنچه در قانون تعیین شده است ندارد»

نظریه اداره حقوقی: ۷/۶۰۷۳-

۱۳۶۲/۱۲/۱۰

سؤال ۲- آیا می توان به استناد ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی فعل یا ترک فعلی را که در قانون مجازات اسلامی یا مقررات جاری صراحتاً جرم محسوب نمی شود (مثل ترک نهي از منکر) جرم دانست و برای مرتکب مجازات تعیین نمود یا نه؟

«با توجه به اصول ۷۷ و ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۶ قانون راجع به مجازات اسلامی، فعل یا ترک فعلی را که در قوانین و مقررات جاری صراحتاً جرم محسوب نشده است، نمی توان جرم دانست و نمی توان برای مرتکب آن مجازات تعیین نمود.»

«پس فعل یا ترک فعل را که در قوانین و مقررات جاری صراحتاً جرم محسوب نشده است، نمی توان جرم دانست.»
مسئله ۸ از کتاب تحلیل قضایی از قوانین جزایی ص ۲۷-۲۶ گردآوری توسط آقای محمد پور.

سؤال ۳- آیا در جرائم قابل تعزیر، می توان صرفاً به استناد ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ تعیین کیفر نمود.

نظریه اکثریت قریب به اتفاق:

در ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی در مقام تعریف مجازات تعزیری است و حکم خاصی برای مجازات جرم معینی ندارد. بنابراین در مواردی که بموجب قانون مدون مجازات تعزیری برای جرمی تعیین شده است، الزاماً بایستی به همان قانون خاص

حد به مجازاتی گفته میشود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.

استناد نمود، مانند ماده ۱۰۸ قانون تعزیرات که برای جرم سرقت تعزیری وضع گردیده و سایر قوانین تعزیری که برای جرائم تصویب شده اند، علیهذا با وجود قانون خاصی استناد ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی برای تعیین کیفر جواز قانونی ندارد، ولی هرگاه موردی پیش بیاید که به نظر قاضی تعزیر مجرم احساس شود و قانونی در این زمینه وضع نشده باشد، در آن صورت می توان با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاههای کیفری... که مقرر می دارند، در هر صورت قاضی باید حکم قضیه را صادر نماید و به بهانه سکوت، اجمال و یا تعارض قوانین، نمی تواند از صدور حکم استنکاف نماید و نظر به قاعده کلی التعزیر بمایراه الحاکم - با استناد بماده فوق الاشعار (ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی که البته به ماده ۱۶ مجازات اسلامی تبدیل شده است) حکم تعزیری صادر نمود.

ماده ۱۷- مجازات بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد. از قبیل جنس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین.

رای وحدت رویه شماره ۵۹۰- ۷۲/۱۱/۵ هیات عمومی دیوانعالی کشور به شرح زیر: مجازاتهای بازدارنده مذکور در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی

مصوب هشتم مرداد ماه ۱۳۷۰ به ضرورت حفظ نظم و مصلحت اجتماع درباره کسانی اعمال می شود که مرتکب جرم عمدی شده و تعیین مجازات تعزیری که در قانون برای تنبیه و تنبه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه می تواند برطبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مجازات بازدارنده را هم بعنوان متمم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حداکثر مجازات تعزیری مانع تعیین مجازات بازدارنده نمی باشد. بنابراین رای شعبه ۱۲ دیوانعالی کشور که نتیجتاً با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

